

اکبر عیسی‌زاده^۱

براساس برآوردهای موجود، در دو دهه آتی، ۶۸ درصد تقاضای انرژی جهان از طریق منابع نفت و گاز تأمین خواهد شد و این مسئله یقیناً می‌تواند برنامه‌ها و سیاستهای کشورهای مصرف‌کننده را در قالب امنیت انرژی تحت تأثیر قرار دهد. گاز به لحاظ ویژگی‌های طبیعی و همسازی برتر با محیط زیست بالاترین رشد تقاضا را تا سال ۲۰۲۰ خواهد داشت که معادل ۳/۱ درصد است و این مسئله مؤید رشد روزافزون گاز طبیعی در سید انرژی جهان است. مقاله زیر ضمن مطالعه میزان ذخایر و تولید گاز ترکمنستان، مسیرهای صادرات گاز و قراردادهای صادرات انرژی در منطقه آسیای مرکزی را بررسی می‌نماید.

هرچند پروژه‌های صادرات گاز می‌تواند موجب توسعه و رشد اقتصادی، تحکیم همکاری‌ها و تقویت روند صلح در میان کشورهای علاقمند گردد ولی این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که پروژه‌های گاز طبیعی به لحاظ پرهزینه بودن و پیچیدگی بالا از نظر فن‌آوری به منظور کاهش خطر سرمایه‌گذاری و تضمین بازگشت آن، نیازمند داشتن یک بازار مطمئن فروش با عقد قراردادهای عرضه درازمدت است و دو عامل هزینه‌ها و قیمت‌گذاری چالشهای عمده‌ای هستند که دورنمای فعالیتها در این بخش را با ابهام و مشکلات جدی مواجه می‌سازد. ترکمنستان یکی از تولیدکنندگان مهم نفت و گاز در میان کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی به شمار می‌رود که پتانسیل و منابع عظیم آن به دلیل عدم وجود گزینه‌های صادراتی محدود شده است. مبنای انرژی ترکمنستان را گاز طبیعی تشکیل می‌دهد بطوری که ۵ درصد از ذخایر اثبات شده نفت و گاز در این جمهوری می‌باشد. اگرچه انرژی به عنوان محرکی قوی در

۱. آقای اکبر عیسی‌زاده کارشناس مسائل آسیای مرکزی و قفقاز می‌باشد.

روند توسعه اقتصادی منطقه جایگاه ویژه‌ای دارد لیکن عواملی چون سرمایه‌گذاری خارجی، نیروی انسانی کارآمد، دسترسی به فن‌آوری‌های جدید و بسط و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای از طریق استفاده از امکانات کشورهای هم‌جوار از ارکان اصلی در فرآیند توسعه منطقه به‌شمار می‌روند.

جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن ذخایر عظیم نفت و گاز، موقعیت ویژه جغرافیایی و مجاورت با کشورهای بزرگ دارای ذخایر گاز (مانند ترکمنستان) از یک طرف و کشورهای مصرف‌کننده گاز (ترکیه، پاکستان) از طرف دیگر می‌تواند شرایط ویژه‌ای را فراهم نماید که به لحاظ اصول هم‌جواری و در نظر گرفتن منافع اقتصادی و استراتژیک، مبادلات گاز را به صورت صادرات، واردات، معاوضه و ترانزیت صورت پذیرد. بی‌تردید انعقاد قرارداد خرید گاز از ترکمنستان و احداث خط لوله صادرات گاز ترکمنستان از طریق خط لوله کرپچه - کردکوی نمونه روشنی از این تلاش روشن برای تقویت روند همکاری‌های منطقه‌ای و گره زدن منافع و امنیت کشورهای منطقه به یکدیگر است. براین اساس، تحقیق حاضر در پی پاسخ به این پرسش خواهد بود که جمهوری ترکمنستان با توجه به محدودیت ژئوپلیتیک و وابستگی ساختاری به درآمدهای حاصل از منابع عظیم گاز چه گزینه‌هایی برای صادرات پیش رو دارد و نقش جمهوری اسلامی در این زمینه چه خواهد بود.

فرضیه اساسی این تحقیق نیز آن خواهد بود که کشور ترکمنستان به علت محدودیتهای ناشی از موقعیت، وابستگی اقتصادی و ساختاری به روسیه و کشورهای منطقه، وجود رقابتی بالقوه و بالفعل در میان کشورهای هم‌جوار و رقابت با آنها، مشکلات ساختاری و بوروکراتیک برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و اهمیت درآمدهای حاصل از صادرات گاز برای اجرای برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور مجبور است که به دوگزینه صادرات گاز از طریق همکاری با روسیه و جمهوری اسلامی تن دهد و تردیدی نیست که در پرتو رقابت دو کشور یاد شده امکان چانه‌زنی و حصول قیمت‌های بالاتر صادراتی برای کشور ترکمنستان متصور خواهد بود.

سازماندهی تحقیق بدین شکل خواهد بود که در ابتدا با نگاهی آماری میزان ذخایر و

صادرات گاز ترکمنستان در سالهای مختلف ارزیابی و در ادامه بازارهای صادراتی موجود و محتمل این کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان نقش جمهوری اسلامی ایران در این راستا با توجه ویژه به نقش پروژه‌های خط لوله در تقویت روند صلح و امنیت منطقه‌ای ارزیابی می‌شود.

ذخایر و تولید گاز در ترکمنستان

اساس و پایه انرژی ترکمنستان را گاز طبیعی تشکیل می‌دهد «به طوری که ۵ درصد از ذخایر اثبات شده شوروی سابق در این جمهوری است. منابع مطلع ذخایر اثبات شده ترکمنستان را حدود ۲/۹ تریلیون مترمکعب برآورد می‌کنند که این کشور را در رده یازدهم جهان (پس از عراق) قرار می‌دهد.»^(۱)

مجموع ذخایر اثبات شده گاز در مجموعه کشورهای همسود ۵۶/۷ تریلیون مترمکعب است که ۳۷/۸ درصد ذخایر جهانی را تشکیل می‌دهد. روسیه با ۴۸/۱۴ تریلیون مترمکعب (۲۳ درصد ذخایر جهانی و طول عمر ذخایر ۸۳ سال) و ترکمنستان با ۲/۸۶ تریلیون مترمکعب (۱/۹ درصد ذخایر جهانی) با طول عمر ۶۱/۸ سال از مهمترین دارندگان ذخایر گاز منطقه می‌باشد.^(۲) این در حالی است که مقامات ترکمنستان از جمله رئیس جمهور این کشور بارها در سخنان خود با بزرگ‌نمایی و در راستای برنامه‌های توسعه‌ای، ذخایر گازشان را در حد ۶ تا ۱۰ میلیارد مترمکعب برآورد می‌کنند که در بدو استقلال کشور این اقدام با همراهی دولتهای غربی از جمله شرکتهای آمریکایی همراهی می‌شد اما اکنون به علت فروکش نمودن جریان‌های سیاسی و خلأ قدرت ناشی از فروپاشی، جریان بزرگ‌نمایی ذخایر که اغراض سیاسی دولتهای ضعیف تازه استقلال یافته و دولتهای غربی از جمله آمریکا را پوشش می‌داد جریان غالب به‌شمار نمی‌آید. در مجموع، ترکمنستان دومین تولید و مصرف‌کننده بزرگ نفت و گاز منطقه به‌شمار می‌رود و قریب به ۱۷ درصد از کل مصرف منطقه به این کشور اختصاص یافته است.

«مهمترین ذخایر گازی این کشور میدانهای آمودریا با ۴۰ درصد ذخایر و حوزه مرغاب

می‌باشند. ۸۵ درصد گاز تولیدی توسط شرکت دولتی ترکمن گاز و بقیه را شرکت ترکمن نفت تولید می‌کند و ذخایر عمده این کشور در مناطق شمال شرقی قرار گرفته‌اند. میزان تولید این کشور طی سالهای ۹۲ تا ۹۹ از یک سیر نزولی برخوردار بوده است. بطوری که از ۵۶/۲ در سال ۹۲ به ۱۶/۱ میلیارد متر مکعب در سال ۹۷، ۱۲/۴ میلیارد متر مکعب در سال ۹۸ و ۲۱/۳ میلیارد متر مکعب در سال ۹۹ رسیده است.^(۳) این کاهش تولید ناشی از عدم توافق با دولت روسیه پیرامون فروش و ترانزیت گاز و ناتوانی کشورهای تازه استقلال یافته از پرداخت تعهدات مالی ناشی از دریافت گاز می‌باشد. «در این راستا براساس آمار اعلامی مطالبات ترکمنستان از سه جمهوری قزاقستان، گرجستان، ازبکستان از محل صادرات گاز در اوایل دهه ۹۰، ۵۶۰ میلیون دلار می‌باشد.»^(۴)

این در حالی است که آمار بدهی‌های اوکراین و ارمنستان منظور نشده و مؤید آن است که اقتصاد شکننده و متکی بر صادرات گاز ترکمنستان در دهه ۹۰، گاز مجانی صادر نموده و چنین وضعیتی این کشور را مجبور به یافتن راهها و مسیرهای جدید صادراتی نمود که علیرغم تلاشهای صورت گرفته، متنوع سازی خطوط و عقد قراردادهای جدید با مشتریان جدید غیر از جمهوری اسلامی ایران با توفیق چندانی همراه نبوده است.

«بدنبال توافقات صورت گرفته با روسیه، اوکراین، روند صعودی تولید گاز از سال ۲۰۰۰ با ۴۳/۸ میلیارد متر مکعب آغاز و به ۴۹/۹ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۲ (معادل ۲ درصد تولید جهان) رسیده است. این در حالی است که منابع رسمی دولتی گاز تولیدی در سال ۲۰۰۲ را معادل ۵۳ و در سال ۲۰۰۳ با ۱۱ درصد رشد ۵۹/۰۹ میلیارد متر مکعب اعلام نموده‌اند.»^(۵)

«براساس آمار رسمی میزان صادرات سال ۲۰۰۲، ۳۹ میلیارد متر مکعب و ۴۳ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۳ می‌باشد که ۱۲ درصد رشد را نشان می‌دهد. این در حالی است که مصرف ارزان و تقریباً مجانی گاز در این کشور معادل ۱۳/۲ میلیارد متر مکعب معادل ۰/۵ درصد مصرف جهانی می‌باشد. تولید پیش‌بینی شده برای سال ۲۰۰۴، ۷۳ و صادرات ۶۰ میلیارد متر مکعب خواهد بود. در سال گذشته گاز ترکمنستان به کشورهای اوکراین، جمهوری اسلامی ایران

و شرکت روسی ایترا صادر شده است و در سال جاری میلادی به فهرست خریداران فوق کشور روسیه (از طریق شرکت روسی گاز پروم) که قرارداد ۲۵ ساله را امضا نموده اضافه خواهد شد.^(۶)

مسیرهای صادرات گاز

در حال حاضر دو راه اصلی برای صادرات گاز ترکمنستان وجود دارد:

۱. خط لوله انتقال گاز از طریق ازبکستان - قزاقستان به روسیه و اوکراین. گاز طبیعی مخازن دولت آباد از سال ۱۹۸۳ از این خط به بازارهای منطقه و دریای سیاه عرضه می‌شد. با توجه به فرسودگی خط در بهترین حالت ظرفیت آن ۴۰ میلیارد مترمکعب می‌باشد.

۲. خط لوله انتقال کرپچه - کردکوی. از طریق این خط لوله ۱۹۰ کیلومتری از سال ۷۶ تاکنون بیش از ۲۳/۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی به ایران صادر شده است.

از نکات حائز اهمیت در خصوص برنامه‌های توسعه‌ای آن است که پیش‌بینی‌های بلندپروازانه عملاً به علت مشکلات فنی و محدودیت راه‌های انتقال، تحقق نمی‌یابد. نمونه روشن آن پیش‌بینی تولید ۷۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۴ (۶۰ میلیارد صادرات و ۱۳ میلیارد مترمکعب مصرف) در سال ۲۰۰۵ (۸۵ میلیارد مترمکعب تولید) و در سال ۲۰۱۰ (۱۲۰ میلیارد مترمکعب) می‌باشد. که به رغم اغراق آمیز بودن آن، این افزایش تولید منوط به بهره‌برداری از میدانهای جدید، ایجاد خط لوله جدید و بازسازی خط لوله قدیمی می‌باشد که سرمایه‌گذاری کلان و فن‌آوری پیشرفته از دیگر عوامل مهم برای حصول این اهداف بلندپروازانه می‌باشد.

بطور کلی ترکمنستان برای صدور گاز به خارج با گزینه‌های ذیل روبرو است:

۱. فروش گاز به روسیه و کشورهای همسود؛
۲. صدور گاز به جمهوری اسلامی ایران و در ادامه پیگیری طرح ترانزیت گاز به اروپا؛
۳. صدور گاز به ترکیه از طریق جمهوری آذربایجان؛
۴. فروش گاز به پاکستان و هند از طریق احداث خط لوله ترانس افغان.

الف) روسیه و کشورهای همسود

۱. روسیه

پیش از ورود به سیاستهای روسیه در منطقه باید توجه داشت که ذخایر عظیم در دسترس گاز تنها یک روی سکه می باشد و مشکل اصلی در تأمین گاز جهان نه میزان ذخایر بلکه هزینه انتقال گاز به مناطق مصرف است و برای این منظور سرمایه گذاری های هنگفتی لازم است که سه عامل قیمت گاز، فن آوری ها و سیاست در این زمینه تعیین کننده هستند. (۷)

به عبارت دقیق تر مسائل ژئواستراتژیک منطقه توانسته است بخوبی بر پروژه های انتقال نفت و گاز تأثیر بگذارد و این موضوع نماد رقابت بازیگران مهم در منطقه شده است. فدراسیون روسیه با استفاده از شبکه حمل و نقل پیوسته شوروی سابق و پذیرش اصل همکاری در کنار رقابت با آمریکا به دنبال حفظ و گسترش نفوذ خود در منطقه می باشد و مهمترین اصل در بخش گاز، انحصار در خرید و ترانزیت گاز ترکمنستان می باشد. به عبارت روشن تر، اقدامات روسیه در این بخش دارای ماهیت امنیتی - استراتژیک بوده و شرکتهای نفتی و گازی روسیه عامل تحقق این اهداف کلان می باشند.

سؤال مهم در این زمینه آن است که روسیه برغم دارا بودن منابع و ذخایر عظیم گاز (بیش از ۳۰ درصد ذخایر جهان)، توانایی بالای صدور گاز از خط لوله در حد مطلوب و تولید و صادرکننده درجه یک جهان چه نیازی به خرید و ترانزیت گاز ترکمنستان دارد و علاوه بر اهداف کلان، آیا اهداف اقتصادی خاصی را پیگیری می کند. تری آدامز متخصص برجسته نفتی منطقه در سخنرانی خود در اجلاس نفت و گاز دریای خزر در تهران (۱۳۸۰) به این سؤال به شکل ذیل پاسخ داده است:

۱. گاز روسیه با توجه به کمبود سرمایه گذاری، نبود امکانات نگهداری، رشد مصرف داخلی و پایین بودن قیمت داخلی در حال کاهش است.

۲. عرضه گاز از نظر راهبردی و تجاری به اروپا برای روسیه به منظور کسب درآمد و حفظ بازار بسیار حائز اهمیت است و بنابراین روسیه کمبودهای عرضه گاز را از طریق منابع عظیم گاز

منطقه آسیای مرکزی تأمین می‌نماید.

۳. دسترسی به گاز جنوب یک عامل اصلی در راهبرد تجاری گاز پروم است و روسیه از هر تلاشی برای پایین آوردن قیمت گاز دریافتی از آسیای میانه به صورت معامله پایاپای فشار سیاسی و یا رقابت بازار بین ترکمنستان، ازبکستان و قزاقستان فروگذار نیست.

۴. افزایش وابستگی روسیه به گاز آسیای میانه خود بخود انضباط قیمت‌گذاری را در بازار ایجاد می‌کند. احتمال نمی‌رود روسیه به دلایل رقابتی اجازه انتقال سریع گاز آسیای میانه بطور مستقیم به بازارهای اروپا و از طریق شرکت گاز پروم را بدهد.

به نظر می‌رسد روسیه در راستای تحقق اهداف یاد شده کشورهای دارنده منابع گاز را بدین صورت تقسیم‌بندی نموده است:

- ترکمنستان به عنوان تولید و تأمین‌کننده گاز منطقه از جمله اوکراین، روسیه، ارمنستان، گرجستان، جمهوری آذربایجان (بطور خاص تا سال ۲۰۰۵)

- ازبکستان بعنوان کشور تولیدکننده و ترانزیت

- قزاقستان: تولیدکننده بالقوه و مسیر ترانزیت

در این راستا، روسیه طی سالهای اخیر اقدامات ذیل را انجام داده است:

- خرید گاز از ترکمنستان در قالب قرارداد کوتاه و بلندمدت و اجازه ترانزیت گاز به اوکراین

- تشکیل شرکت مشترک با ازبکستان (انتقال) و سرمایه‌گذاری شرکت‌های روسی برای

توسعه منابع گازی از طریق قراردادهای مشارکت در تولید و افزایش خرید گاز از ازبکستان از سطح ۲/۵ میلیارد متر مکعب به ۷/۷ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۰۳.

- تشکیل شرکت مشترک خط لوله با قزاقستان و تقویت روند انحصاری انتقال منابع به

این ترتیب می‌توان تصور نمود که کشورهای عمده تولیدکننده گاز برای صادرات خود به خط لوله انحصاری شرکت مشترک روس-قزاق نیاز خواهند داشت و عملاً از نظر فنی و مالی تحت کنترل روسیه خواهد بود.

- تشکیل اپک گازی با کشورهای منطقه. در این راستا، رؤسای جمهور قزاقستان،

ترکمنستان، از یکستان و روسیه اعلامیه مشترکی را در زمینه همکاری و انتقال گاز به بازارهای جهانی در مسکو به تاریخ ۱۰/۱۱/۸۰ امضا نمودند و ولادیمیر پوتین در این خصوص گفت: هدف این بیانیه ایجاد ائتلاف گازی و دفاع از منافع کشورهای تولیدکننده گاز و ارتقای نتیجه بخش بودن زمینه گاز در کشورهای ساحلی دریای خزر خواهد بود. کشورهای مصرف کننده نیز ضرر نخواهند نمود چون بازار گاز منظم تر، معتبر تر و با ثبات تر خواهد بود.^(۸) به نظر می رسد روسیه با برخورداری از همه عوامل شامل تولید، ترانزیت و حضور سنتی و قوی در بازارهای مصرف جهانی، موقعیت برتر را در این تشکل اعلام نشده خواهد داشت.

- امضای قرارداد بلندمدت صدور گاز ترکمنستان به روسیه در سال ۲۰۰۳ که بدنبال یک دوره مذاکرات پیگیر ۲ ساله بود نماد دیگری از شکست منطق ترکمن ها برای فروش گاز کمتر و افزایش قیمت گاز است. ترکمنها به علت محدودیتهای ژئوپلیتیک و شکست طرحهای انتقال مجبور به ادامه همکاری با روسیه شده اند. چنانچه در تحلیلی در تاریخ ۱۵/۱۱/۸۲ در این خصوص آمده است:

این قرارداد تضمین جریان صادرات به مدت یک ربع قرن است، عدم چانه زنی با طرفهای جدید، ادامه کار هفتاد ساله با طرفهای قدیمی و درک حرفها از سایر ویژگی های این قرارداد است. براساس این قرارداد روسیه طی ۲۵ سال از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۹ دو تریلیون مترمکعب گاز وارد خواهد نمود که در سالهای نخست (دو سال اول) ۶ تا ۱۰ میلیارد مترمکعب و از سال ۲۰۰۷ به بعد بین ۶۰ تا ۸۰ میلیارد مترمکعب متغیر خواهد بود. از نکات حائز اهمیت در این قرارداد تعیین قیمت هر هزار مترمکعب گاز در حدود ۴۴ دلار به صورت ۵۰ درصد نقد و ۵۰ درصد کالا و خدمات و پس از آن قیمت گذاری مجدد براساس توافق طرفین خواهد بود.^(۹)

به نظر می رسد که بخشی از افزایش حجم گاز وارداتی توسط شرکت گاز پروم پس از سال ۲۰۰۷ به اوکراین صادر می شود و برای تحقق این قرارداد، احداث خط لوله جدید ضروری می نماید که این موضوع توسط مقامات اوکراین و گاز پروم مورد توافق قرار گرفته است.

«به هر حال دریافت گاز ترکمنستان برای روسیه نه تنها به دلایل ژئوپلیتیک حائز اهمیت

است بلکه ذخایر گاز این جمهوری صادرات بلندمدت روسیه را تضمین می‌کند و این اجازه را به شرکت گاز پروم روسیه می‌دهد که توسعه حوزه‌های پرهزینه دریایی خود در اقیانوس منجمد شمالی، اروپای شمالی و سیبری غربی را به آینده موکول نماید.^(۱۰) از دیگر نتایج این اقدامات افزایش تأثیرگذاری روسیه در منطقه، بازیابی موقعیت ویژه از دست داده و استفاده از اختلافات ایران و آمریکا در جهت تقویت محوریت خود در منطقه می‌باشد.

۲. اوکراین

این کشور به علت نیاز شدید به گاز و کاهش وابستگی به روسیه اصلی‌ترین واردکننده گاز از ترکمنستان به‌شمار می‌رود اما با توجه به پیوستگی خطوط لوله و عبور آن از خاک روسیه همواره مشکلاتی در جریان انتقال بهینه و بهنگام وجود داشته است.

از سال ۲۰۰۰ میلادی، ترکمنستان با انعقاد قرارداد با اوکراین، به عنوان مهمترین تأمین‌کننده گاز این کشور درآمد و براساس قرارداد پنج ساله (۲۰۰۶-۲۰۰۲) صدور ۲۵۰ میلیارد مترمکعب گاز پیش‌بینی شده است. به‌رغم آنکه اوکراین بازار مطمئنی برای ترکمنستان است اما مشکلاتی مانند محدودیت تولید گاز ترکمنستان، محدود بودن ظرفیت خط لوله انتقال قدیمی، مشکل بدهی‌های مالی و عدم اجرای کامل تعهدات مالی ناشی از واردات گاز بر روند آتی قرارداد تأثیر منفی می‌گذارد. علیرغم مشکلات یاد شده ترکمنستان از طریق قراردادهای فروش گاز بخشی از نیازمندی‌های خود به انواع کالا و خدمات فنی - مهندسی با تکنولوژی مورد نیاز قدیمی را تأمین می‌نماید.

بعد از انعقاد قرارداد ۲۵ ساله روسیه و ترکمنستان، اوکراین نیز خواهان عقد قرارداد مشابهی شده است که به رغم توافق اولیه دو طرف، هنوز این قرارداد ۲۵ ساله دو جانبه محقق نشده و چندین بار امضای آن به تعویق افتاده است. بر طبق قرارداد فعلی که تا سال ۲۰۰۶ اعتبار دارد میزان صادرات سالانه ۳۶ میلیارد مترمکعب براساس هر هزار مترمکعب ۴۴ دلار می‌باشد. از عوامل منفی تأثیرگذار در این روند احتمال صادرات گاز به اوکراین در چارچوب قرارداد

روسیه - ترکمنستان و عدم جوابگویی خط لوله قدیمی می باشد. پیش بینی می شود ضمن افزایش ظرفیت خط لوله سنتی از طریق بازسازی آن یک خط لوله جدید ۱۷۴۵ کیلومتری برای امکان پذیری اجرای تعهدات و همکاری ها با ظرفیت ۳۰ میلیارد متر مکعب با هزینه احتمالی یک میلیارد دلار احداث شود و در این زمینه رؤسای جمهور سه کشور در خرداد ۱۳۸۲ توافق نموده اند. اوکراین تا سقف ۶۰ درصد از ارزش گاز طبیعی وارداتی خود از ترکمنستان را به طرز نقدی پرداخت می کند و شرکت های روسی نیز همواره در مورد قیمت و شیوه پرداخت چانه زنی می کنند. عده ای از منتقدین می گویند که این نوع فروش و سیستم پرداخت در چارچوب قوانین مبهم دولت ترکمنستان موجب سوءاستفاده شده و برای جمعیت فقیر این کشور نفع چندانی نخواهد داشت. (۱۱)

۳. سایر جمهوری های همسود

مشکل دیگر ترکمنستان اجبار این کشور به صدور گاز طبیعی خود به کشورهای تازه استقلال یافته همسایه است. اما این کشورها توان مالی لازم برای پرداخت بدهی های خود را ندارند. جمهوری آذربایجان و قزاقستان همواره پرداخت بدهی های خود را به تعویق می اندازند به گونه ای که در سال ۲۰۰۰ ترکمنستان تهدید کرد در صورت ادامه این روند به دادگاه های بین المللی شکایت می کند. هرچند صدور عادی جریان انتقال گاز در سال های اولیه دهه ۹۰ به کشورهای همسود از طریق خط لوله سنتی شوروی سابق ادامه داشت اما با عدم توانایی کشورهای قزاقستان، گرجستان و ارمنستان جریان انتقال گاز به این کشورها خاتمه و دعوای بدهی ها تا حال حاضر ادامه دارد.

بعنوان نمونه جمهوری آذربایجان در سال های ۹۲ و ۹۴ به علت نیاز شدید مبادرت به واردات گاز نمود که با توقف این روند و تشدید اختلافات دو کشور بر سر مالکیت حوزه های نفتی و رقابت برای سردمداری جریان سرمایه گذاری در عرصه نفت و گاز، امکان صدور مستقیم گاز تاکنون فراهم نشده است. جمهوری آذربایجان با توجه به نیاز شدید به گاز بعنوان سوخت

نیروگاهها و تأمین مصارف خانگی و صنعتی در فصول سرد از سال ۲۰۰۱ اقدام به خرید گاز طبیعی از شرکتهای روسی ترانس نفتا و ایترا (خریداران اولیه گاز طبیعی از ترکمنستان) با قیمت‌های ۵۰ الی ۵۲ دلار می‌نماید که تعهد شرکتهای روسی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ در حد صدور ۴ میلیارد مترمکعب در سال است.^(۱۲) این تجارت سودآور هم نیازهای طبیعی جمهوری آذربایجان را تا حدی برآورده می‌سازد و هم جریان انتقال انحصاری گاز توسط شرکتهای روسی را تثبیت می‌نماید. در این راستا، ارمنستان نیز طالب خرید گاز از روسیه است که به علت اختلافات با جمهوری آذربایجان و عدم توافق با جمهوری اسلامی ایران برای ترانزیت گاز ارزان ترکمنستان این ایده تحقق نیافته است.

جمهوری اسلامی ایران و ترانزیت گاز به اروپا

ایران به عنوان یکی از همسایگان به دلیل ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در روند توسعه و تحکیم همکاری‌های منطقه‌ای ایفا نماید که به شرح ذیل می‌باشد:

- توان بالای ذخیره انرژی و بویژه گاز طبیعی
- همجواری با کشورهای دارای توان صدور گاز
- دارا بودن توان مصرف بالا در مناطق مختلف کشور
- امکان معاوضه گاز طبیعی قابل صدور این منطقه
- دسترسی به آبهای آزاد و لذا سهولت عرضه نفت و گاز به بازارهای بین‌المللی
- دارا بودن سیستم انتقال وسیع گاز طبیعی جهت ارسال گاز از مراکز تولید به مراکز مصرف و صادرات
- دارا بودن دانش فنی و توان عملی بالا جهت احداث سیستم انتقال نفت و گاز با همکاری کشورهای منطقه
- تمایل کشورها برای کاهش وابستگی به سیستم انتقال انحصاری گاز توسط روسیه
- ایجاد درآمدهای ارزی ناشی از حق عبور گاز از کشور

- کاهش هزینه عرضه گاز به مصرف‌کنندگان

- امکان بهره‌برداری از ظرفیتهای مازاد خطوط لوله گاز

- امکان مشارکت در سرمایه‌گذاری برای این گونه طرحها برای شرکتهای ایرانی و سهام

شدن در سود آن

- کسب منافع از طریق مبادلات انرژی از جمله گاز طبیعی

- تداوم و گسترش روابط مبتنی بر اصول همجواری و ایجاد پایه‌های عمیق در روابط^(۱۳)

به‌رغم زمینه‌های مثبت یاد شده، سیاست و استراتژی امنیت انرژی آمریکامانع اصلی در

ایجاد شرایط و بستری لازم برای رشد و توسعه همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با

کشورهای منطقه شده است. این استراتژی (امنیت انرژی) دارای برنامه‌های اجرایی متعددی

است. از جمله آنان کاهش وابستگی به نفت و گاز خلیج فارس، استفاده از منابع متنوع انرژی

از جمله دریای خزر، ایجاد خطوط برای انتقال انرژی خزر از مسیرهای مختلف امانه ایران است،

ایران از نگاه آمریکا در دریای خزر نباید فعال بوده و نباید خطوط لوله از مسیر این کشور بگذرند؛

زیرا حضور ایران در صحنه انرژی و عبور منابع در خلیج فارس کاملاً همراه با تسلط است و

آمریکایی‌ها مایل به حضور ایران در بازار انرژی خزر نیستند. اهداف آمریکا شامل دو بخش

بلندمدت و کوتاه مدت است که در بخش کوتاه‌مدت آن ترجیح خطوط لوله انتقال نفت و گاز از

منطقه دریای خزر به صورت شرقی - غربی در برابر خطوط لوله شمالی - جنوبی است. معنای

دیگر سخن آمریکا آن است که هر گونه توسعه اقتصادی در منطقه می‌بایست به نفع روشهای

غرب‌گرایانه مانند آمریکا و ترکیه پیشنهاد می‌نمایند بوده و به ضرر مردم کشورهایی مانند روسیه

و ایران می‌باشد.^(۱۴)

در شرایطی که جمهوری ترکمنستان بشدت تلاش می‌نمود که با توجه به مشکلات

پیش آمده در جریان صدور گاز به کشورهای همسود و عدم خرید روسیه، مسیر و بازار جدیدی را

برای خود ایجاد نماید مذاکرات خرید گاز دو کشور در دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی

رفسنجانی آغاز گردید. این رویکرد در تضاد با دیدگاههای بخشی وزارت نفت بود که در کلان

جمهوری اسلامی ایران را یک کشور دارای ذخایر عظیم گاز و صادرکننده می‌دانست دیدگاه غالب، ورای نگاه استراتژیک به روابط، حفظ موقعیت و اهمیت جغرافیایی کشورمان و کسب منافع اقتصادی را مورد نظر داشت و وجه تکمیلی و توجیهی این نگاه که دارای منطق اقتصادی بود آن است که فاصله طولانی مبادی تولید گاز در جنوب کشور تا استانهای شمالی، همچنین دشواری انتقال این فرآورده از جنوب به شمال کشور، واردات گاز از ترکمنستان را با داشتن منابع فراوان و ارزان و کاهش هزینه برای تأمین گاز مناطق شمالی کشور، توجیه پذیر کرده است. (۱۵)

گاز وارداتی جهت تأمین مصارف عادی و نیروگاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از توافقات صورت گرفته با احداث یک خط لوله ۱۹۰ کیلومتری به قطر ۴۰ اینچ صادرات گاز ترکمنستان به ایران با ۴۰۰ میلیارد مترمکعب در سال ۷۶ آغاز شد. نیازاف رئیس جمهور ترکمنستان در کنفرانس نفت و گاز عشق‌آباد در سال ۲۰۰۱، احداث این خط را دستاوردی ارزشمند و یک حادثه تاریخی خواند و افزود: احداث این خط اولین خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به خارج پس از استقلال بود. سقف دریافت سالانه براساس قرارداد در سال ۲۰۰۱ (۵)، ۲۰۰۲ (۶) و در سال ۲۰۰۴ (۸ میلیارد متر مکعب) خواهد بود که سقف اجباری آن ۷۵ درصد میزان یاد شده می‌باشد. برخلاف قراردادهای دیگر مبنای پرداخت گاز وارداتی، نقدی و به ازای هر هزار متر مکعب، ۴۲ دلار می‌باشد.

هر چند ترکمن‌ها از میزان گاز دریافتی و نحوه پرداخت ناراضیتی دارند اما طی سه سال گذشته و تا قبل از قراردادهای بلندمدت با اوکراین و روسیه، به دنبال افزایش میزان صادرات از ۸ به ۱۳ میلیارد متر مکعب بودند که با توجه به نقدی بودن قرارداد فعلی و اختلاف پیرامون قیمت و نحوه پرداخت نتیجه‌ای حاصل نشده است.

هر چند در قرارداد اولیه استفاده از سازوکار تشکیل صندوق مخصوص برای تأمین مالی طرحهای صدور کالا و خدمات فنی و مهندسی جمهوری اسلامی ایران به ترکمنستان از محل واردات گاز پیش‌بینی شده بود اما متأسفانه به علت عدم پیگیری طرف ترکمن این موضوع که دارای اهمیت اساسی در راستای پیگیری منافع ملی کشورمان می‌باشد، تحقق نیافته است.

به علاوه، برخی شهرهای مرکزی مانند لطف آباد گاز خود را از طریق ترکمنستان تأمین می نمایند و دیگر شهرهای مرزی هم خواستار استفاده از این روش هستند. براساس آمار رسمی میزان گاز وارداتی از ترکمنستان در سال ۸۲، ۵/۷ میلیارد متر مکعب بوده که نسبت به سال ۸۱، ۷/۵ درصد رشد داشته است و از ابتدای قرارداد تا پایان سال ۸۲، ۲۳/۳ میلیارد متر مکعب گاز توسط جمهوری اسلامی ایران دریافت شده است.

بهرغم تصریح مقامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص واردات گاز برای تأمین مصارف داخلی، از زمان اجرائی شدن طرح صادرات گاز به ترکیه، مقامات ترکمن در مناسبتهای مختلف جمهوری اسلامی ایران را متهم به صدور گاز ارزان ترکمنستان به ترکیه به قیمت بالا (۱۱۰ دلار) متهم نموده اند که این اتهامات بصورت رسمی تکذیب شده است.

علاوه بر موضوع تأمین نیازهای مصرفی داخلی دو گزینه دیگر مطرح است:

۱. ترانزیت گاز به کشورهای منطقه: ارمنستان و جمهوری آذربایجان (نخجوان). از آنجا که ارمنستان و منطقه خودمختار نخجوان مذاکراتی با جمهوری اسلامی ایران برای دریافت گاز داشته اند و در طول سالهای گذشته مذاکراتی بین طرفهای مختلف صورت گرفته و مقامات ارمنی و آذری متقاضی گاز ارزان قیمت ترکمنستان بوده اند، جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را منوط به حصول توافقات دوجانبه ترکمنستان با دو کشور یاد شده، تعیین تکلیف وضعیت سرمایه گذاری برای احداث خط لوله در بخش ایران و توافق پیرامون تعرفه ها نمودند.

به نظر می رسد با انعقاد موافقتنامه صادرات گاز بین ایران و ارمنستان و حصول توافق پیرامون احداث خط لوله تا دو سال آینده، تعیین میزان و شرایط گاز و نحوه پرداختها، طرح ترانزیت گاز ترکمنستان به ارمنستان جنبه اجرایی پیدا نکند و در صورت حصول توافقات احتمالی برای صدور گاز به نخجوان این موضوع نیز از دستور کار مقامات ترکمنستان خارج می شود هرچند که از ابتدا نیز به علت حجم کم مبادلات، مقامات ترکمنی انگیزه چندانی برای پیگیری آن نداشتند.

انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران

صدور گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه به عنوان بهترین راه به اروپا شناخته شده است. طول خط لوله تا ترکیه ۱۴۷۰ کیلومتر که شامل ۱۴۰ کیلومتر در خاک ترکمنستان و ۱۳۳۰ کیلومتر در خاک ایران خواهد بود. این خط امکان صادرات اولیه ۱۰ تا ۱۲ میلیارد متر مکعب را خواهد داشت که در فاز نهایی به ۲۸ میلیارد متر مکعب خواهد رسید. بنابه گفته مقامات شرکت انگلیسی - هلندی رویال داچ شل این خط لوله حداقل ۷۰۰ میلیون دلار ارزان تر از خط لوله دریای خزر است. اکنون این پروژه عظیم نیز دستخوش مبارزه و مخالفت آمریکا گردیده و به جهت ضربه زدن به اقتصاد ایران راه‌های دیگری را در نظر گرفته‌اند. (۱۶)

به نظر می‌رسد صدور گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ایران با توجه به مخالفت‌های علنی آمریکا و کارشکنی روسها به عنوان اصلی‌ترین صادرکننده گاز به اروپا عملی نباشد و گزینه انتقال از طریق جمهوری آذربایجان نیز با توجه به رقابت آذربایجان با ترکمنستان برای صدور گاز حوزه شاه دنیز به اروپا و اختلافات جدی دو کشور پیرامون مالکیت حوزه‌های نفتی دورنمای روشنی نداشته باشد.

در مورد نقش جمهوری اسلامی باید توجه داشت که «هدف آمریکا جلوگیری از ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بوده و لذا امکانات استراتژیک و بلندمدتی که موقعیت منطقه‌ای ایران از طریق آنها، جایگاه برتری می‌یافت (گذاشتن خط لوله‌های نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز از این کشور)، سلب شده و فشارهای آمریکا فضای مناسب این امکان را برهم زده و یا به تأخیر انداخته است». (۱۷)

در این مسئله هم تردیدی نیست که «سیاست مهار ایران در عمل باعث شده که رشد و توسعه اقتصادی آسیای مرکزی و قفقاز به تأخیر افتد و دچار بن‌بست شود. رشد این مناطق بدون در نظر گرفتن عنصر ایران غیرممکن است و سیاست مهار با کنار گذاشتن این عنصر به طور غیر مستقیم و مستقیم به آسیای مرکزی و قفقاز ضربه می‌زند». (۱۸)

ترکیه از طریق جمهوری آذربایجان

ترکیه معتمد منطقه‌ای آمریکا و شریک مهم آن در قالب ناتو می‌باشد که این موقعیت به این کشور امکان می‌دهد تا به صورت قدرت منطقه‌ای و قلب اروپا - آسیا و یک واسطه فراهی تبدیل شود. انگیزه مهم ترکیه برای حضور در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی قفقاز، ماورای قفقاز و آسیای مرکزی این است که این کشور از نظر کلیه منابع انرژی (بجز آب) کاملاً فقیر می‌باشد. به همین دلیل تلاش می‌کند با عبور خطوط لوله‌های نفت و گاز از این کشور که برنامه‌ریزی آن توسط شرکتهای چندملیتی انجام گرفته است در طرح آتی بهره‌برداری از منابع انرژی عظیم ماورای قفقاز و آسیای مرکزی مشارکت کند. (۱۹)

با توجه به اهمیت ترکمنستان به علت منابع عظیم انرژی و جایگاه و موقعیت ویژه جغرافیایی این کشور در آسیای مرکزی و همسایگی با افغانستان و ایران، آمریکا تلاش می‌کند تا در راستای اهداف ژئوپولیتیک خود در منطقه بانی توسعه نفت و گاز طبیعی کشورهای منطقه باشد که این اقدام می‌تواند باعث رشد اقتصادی و کاهش وابستگی این کشورها به روسیه گردد و زمینه لازم برای بهره‌برداری شرکتهای غربی از منافع حاصل از بهره‌برداری منابع انرژی فراهم نماید. به عبارت روشن‌تر کنترل منابع انرژی سیاست متنوع‌سازی را که اصل اساسی امنیت انرژی در دهه‌های آتی می‌باشد تأمین نمود و به همین منظور آمریکا فشار فزاینده‌ای به کشورهای منطقه وارد می‌نماید تا آنها را وادار کند انتقال نفت و گاز خود را از طریق کریدور شرق به غرب به مقصد ترکیه انجام دهند و ضمن تأمین نیازهای انرژی ترکیه و انتفاع این کشور از عواید حاصل از ترانزیت، به مرکز توزیع انرژی منطقه تبدیل شود. هرچند هدف اولیه این روند دور نمودن ایران و روسیه و جلوگیری از تأثیرگذاری و مداخله این دو کشور در جریان انتقال انرژی به غرب بوده است اما به نظر می‌رسد بعد از وقایع یازده سپتامبر و تقویت روند عملگرایی در هیأت حاکمه روسیه، آمریکایی‌ها سهم مشخص روسیه در انتقال و توسعه منابع انرژی را پذیرفته و با پیگیری سیاست «همه جز ایران» در منطقه، فرصتهای جغرافیایی عظیم ایران را نادیده گرفته و در پی تثبیت مسیرهای دیگر برای انتقال انرژی از منطقه برآمده است.

با عنایت به مراتب یاد شده در اواسط دهه ۹۰ طرح احداث خط لوله انتقال گاز ماورای خزر (ترانس خزر) با هدف صدور گاز ترکمنستان به ترکیه به عنوان یکی از محورهای اصلی طرح کریدور شرق به غرب مورد توجه قرار گرفت. مسیر این طرح از طریق بستر دریای خزر - آذربایجان - گرجستان و ترکیه بود و موافقتنامه اصلی آن در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۸ در جریان اجلاس سران کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا در استانبول توسط کشورهای ذینفع منعقد گردید. بدنبال امضای موافقتنامه که با فشار آمریکا انجام گرفت و یک موفقیت استراتژیک محسوب می‌گردید کنسرسیوم بین‌المللی متشکل از شرکتهای بزرگ نفتی برای اجرای طرح تشکیل شد. عبور خط لوله هرچند در راستای سیاست متنوع‌سازی راههای انتقال گاز ترکمنستان و شکستن انحصار روسیه نقش مهمی داشت اما بی‌تردید موجب کسب عواید اقتصادی قابل ملاحظه برای ترکیه و تقویت موقعیت و نقش این کشور در معادلات بین‌المللی، منطقه‌ای و افزایش تأثیرگذاری آن می‌گردید.^(۲۰) علیرغم خوش‌بینی‌های اولیه این طرح به علل زیر به شکست انجامید و کنسرسیوم آن تعطیل گردید:

- مخالفت ایران و روسیه به علت مخاطرات زیست محیطی طرح

- اختلاف ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در خصوص اجرای طرح (رقابت مبتنی بر

سهم‌خواهی بیشتر)

به نظر می‌رسد در صورتی که آمار و ارقام مربوط به کشف منابع قابل توجه گاز در حوزه نفتی شاهد نیز در نزدیکی سواحل جمهوری آذربایجان خالی از اغراض سیاسی باشد با توجه به نزدیکی این منابع به بازارهای مصرف و عدم نیاز به عبور خط لوله از بستر دریای خزر، احداث خط لوله ماورای خزر فاقد توجیه اقتصادی و زیست محیطی خواهد بود، بعلاوه، توافق مربوط به افزایش صادرات گاز از روسیه به ترکیه با احداث یک خط لوله از بستر دریای سیاه به طول ۴۰۰ کیلومتر، امکان تحقق این خط را کمتر می‌سازد.

برآوردهای غیرواقعی از نیازهای ترکیه به منابع انرژی

نیاز ترکیه به گاز تا سال ۲۰۱۰ بین ۳۳ تا ۵۴ میلیارد مترمکعب تخمین زده شده است. در صورت عملی شدن پروژه جریان آبی، ترکیه طبق سناریوی حداقل تقاضا که با توجه به روند موجود رشد مصرف واقعی تر می‌نماید (۳۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰)، حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب گاز اضافی خواهد داشت. هرگونه رقابت بین ایران، ترکمنستان و احتمالاً در آینده نزدیک جمهوری آذربایجان برای دسترسی به بازار ترکیه موجب کاهش قیمت گاز منطقه خزر خواهد شد... (۲۱)

بنابراین، ترکیه در سالهای گذشته ضمن انعقاد قراردادهای مختلف برای خرید گاز طبیعی و مایع از کشورهای ایران، روسیه، الجزایر، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در صدده بوده که با توزیع خریدها از وابستگی خویش در این زمینه به یک کشور خاص جلوگیری نمایند و با ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان تأمین گاز ارزان و متنوع را برای خود فراهم نمایند. در حال حاضر با عملی نشدن طرح ترانس خزر، ترکیه از گاز ترکمنستان استفاده نمی‌کند و با تبدیل انرژی آن به برق بطور غیرمستقیم از گاز ترکمنستان بهره می‌گیرد و در جریان سفر اخیر وزیر انرژی و منابع ترکیه بر روی دوبرابر شدن ترانزیت برق ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه در حد ۶۰۰ مگاوات توافقاتی صورت گرفته است. بنابراین طرح انتقال گاز ترکمنستان به اروپا از طریق ترکیه نیز با توجه به مشکلات و منتفی شدن اصل طرح چندان قابل تحقیق به نظر نمی‌آید.

پاکستان و هند از طریق خط لوله ترانس افغان

قرارداد مربوط به احداث خط لوله انتقال گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان در ژوئیه ۱۹۹۷ بین نمایندگان شرکت آمریکایی یونوکال، دلتا ایل از عربستان سعودی جهت انتقال گاز ترکمنستان به امضا رسید. برای این طرح قرار بود خط لوله‌ای به طول ۸۷۰ مایل تا شهر مولتان و تا هند (۴۰۰ مایل) احداث شود که برآورد هزینه‌های احتمالی آن ۲/۵ میلیارد دهبوده است. این

طرح در آن زمان به لحاظ وضعیت ناامن و تشدید جنگهای داخلی افغانستان مسکوت ماند. بدنبال تهاجم نظامی آمریکا به افغانستان و بهبود نسبی شرایط امنیتی موضوع احداث خط لوله توسط سه کشور خصوصاً رئیس جمهور ترکمنستان پی گیری شد و پس از مذاکرات و گفتگوهای مختلف سران سه کشور در ماه مه ۲۰۰۲، توافقنامه مربوطه که دربر دارنده پشتیبانی سران سه کشور از این طرح و تشکیل کمیته مدیریت طرح و لزوم آماده سازی مقدمات کار بود به امضا رسید. از آن موقع تاکنون اقدامات ذیل صورت پذیرفته است:

- تشکیل کمیته اجرایی متشکل از کارشناسان سه کشور و برگزاری ۷ نشست کاری

- تصویب مسیر اجرای طرح توسط کمیته اجرایی

- بررسی و آماده سازی پیش نویس موافقتنامه های لازم در خصوص خرید، فروش گاز و تعهدات کشورهای ذینفع. مسیر احتمالی طرح دولت آباد (ترکمنستان) هرات - قندهار (افغانستان) - کویته - مولتان (پاکستان).

- اجرای مطالعات امکان سنجی طرح و تأمین مالی طرح توسط بانک توسعه آسیایی (۲۲) به رغم تحولات صورت گرفته کارشناسان مستقل مشکلات اجرای طرح را به شرح ذیل بیان می کنند:

- بار مالی پروژه و روشن نبودن دورنمای سرمایه گذاری خارجی در این طرح بازار فروش و نداشتن توجیه اقتصادی احداث یک خط لوله مستقل، اکتشاف میادین جدید گاز، عدم امکان ادامه خط لوله به هند و نیاز به رقابت قیمت گاز با قیمت نفت کوره از مشکلات عرضه گاز به پاکستان است.

- عدم اتکا به بازار هند به علت اختلافات با پاکستان و افزایش خطر سرمایه گذاری

- عدم نیاز پاکستان به انرژی تا سال ۲۰۱۰ و اتکا به منابع داخلی

- وجود رقبا و گزینه های ارزانتر برای پاکستان از جمله ایران و قطر

- انعقاد قرارداد بلندمدت صدور گاز به روسیه و نبود ظرفیتهای خالی صادراتی (۲۳)

نتیجه گیری

در یک ارزیابی نهایی چنین می توان گفت:

بازارهای مصرف که صادرات بخشی از گاز منطقه به آنها در دهه آینده عملی خواهد شد ترکیه، کشورهای بالکان و اروپا در مسیر غرب و پاکستان و هند در مسیر جنوب خواهد بود.

- برگشتی خالص از بازار چین برای گاز منطقه خزر منفی خواهد بود.

- پاکستان تا سال ۲۰۱۰ به واردات گاز در حدی که یک خط لوله مستقل را توجیه نماید نیاز ندارد و با توجه به اختلافات تاریخی هند و پاکستان، نگرانی از امنیت خط لوله و عدم تمایل هندوستان نسبت به وابستگی به پاکستان و کسب درآمدهای ترانزیت

احتمال صدور گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران و جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا بسیار ضعیف است و احتمال عملی شدن طرح ترانس خزر بعید می نماید.

- بخش عمده گاز ترکمنستان از طریق روسیه به کشورهای بالکان و اروپا صادر خواهد

شد.

احتمال افزایش صادرات گاز ترکمنستان به ایران در سالهای آتی وجود دارد و ایران و جمهوری آذربایجان از صادرکنندگان آینده گاز به ترکیه و اروپا خواهند بود.

- شرط اولیه برای انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند، برقراری صلح پایدار در

افغانستان و بازسازی زیرساختارهای نابود شده در افغانستان خواهد بود. (۲۴)

- ترکمنستان برای فروش گاز خود با روسیه و کشورهای همسود به توافق رسیده است که

این مسئله بیشتر از آنکه انتخاب باشد نتیجه روشن سیاستهای عملی روسیه در جهت اعمال انحصار در بازار گاز طبیعی منطقه و کنترل صدور آن می باشد.

و نکته پایانی آنکه «به رغم مشترکات و وابستگی به درآمدهای نفت و گاز و درک متقابل در

خصوص بازارها، روسیه و ایران در برخی زمینهها با یکدیگر رقابت می کنند مانند صادرات نفت و

گاز، سهم بردن از منابع دریای خزر و بازارهای گاز منطقه.

هر دو دولت اینک در حال هماهنگ‌سازی سیاستهای صادرات گاز خود هستند و این احتمال وجود دارد که هر دو کشور همسو ساختن سیاستهای صادرات گاز خود را به سود خود بیابند. این امر در قفقاز مصداق پیدا می‌کند اما نه در آسیای مرکزی که در آن گاز پروم نفوذ زیادی بر صادرات گاز ترکمنستان و ازبکستان با توجه به کنترل سیستم خطوط لوله صادراتی دارد» (۲۵)

بی‌تردید تلاشهای ترکیه برای کاهش قیمت گاز وارداتی و رویکرد ترکمنستان برای ایجاد رقابت بین روسیه و ایران برای بالا بردن نرخ فروش و تشکیل اپک گازی بین کشورهای منطقه با محوریت روسیه از نمونه‌های روشن اثرات زیانبار این تقابل می‌باشد. هرچند دعوت ایران به جرگه کشورهای تشکیل دهنده اپک گازی در منطقه و بسط و توسعه همکاری‌های دو کشور در بخش انتقال نفت و گاز منطقه می‌تواند نویددهنده دورنمای روشنی از تعاملات سازنده باشد.

یادداشت‌ها

1. B.P. annual Report, 2003, p.10.
2. *Ibid.*, p.20.
3. گزارش کشوری ترکمنستان، نشریه تحولات بازار نفت، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، شماره ۵، ص ۸۴.
4. تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۸۳/۱/۲۶.
5. همان، ۸۳/۱۰/۹.
6. همان، ۸۳/۱۰/۹.
7. ترابی‌کیا، علیرضا، گزارش وضعیت اقتصادی ترکمنستان در یک سال گذشته و چشم‌اندازهای آن، وزارت امورخارجه، ۱۳۸۳ و تلکس خبرگزاری شانا، مورخ ۸۳/۲/۵.
8. تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰/۱۱/۱.

۹. همان، ۱۵/۱۱/۸۳ و تحلیل خبرگزاری شانا، مورخ ۲۰۰۳/۹/۲۹.
۱۰. گزارش ذخایر گاز طبیعی در جهان، مجله نفت، گاز پتروشیمی، شماره ۲۲، ۱۳۸۲، ص ۱۰.
۱۱. همان، ص ۱۰ و یادگاری، حسین. انحصارطلبی روسیه در بازار گاز طبیعی، بولتن تحولات بازار نفت مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، شماره ۲۴، ص ۳۶.
۱۲. سهیلی‌پور، اصغر. دورنمای همکاری‌های ایران و کشورهای آسیای مرکزی. مجله اقتصاد انرژی، بهمن ۱۳۷۹، ص ۵۲.
۱۴. ملکی، عباس، آیا دریای خزر همچنان برای همه بازیگران مهم است؟ فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز ۱۳۸۲، ص ۱۵۶.
۱۵. خبرگزاری شانا، مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۵.
۱۶. انصاری‌راد، کتابون. سیاست ترکمنستان در حوزه نفت و گاز دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ص ۲۰۴.
۱۷. سجادی‌پور، محمدکاظم. سیاست خارجی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۴.
۱۸. همان، ص ۱۳۷.
۱۹. تاناسکوویچ، دارکو، عثمانیسم نوین بدنبال چیست؟ مجله پیام دریا، شماره ۱۰۰، بهمن ۱۳۸۰، ص ۵۸.
۲۰. میرحیدر، دره و طاهری شمیرانی، صفت‌اله. ژئوپلتیک دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۰، ص ۸۱.
۲۱. گزارش ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از طریق خاک ایران در مقایسه با راه‌های احتمالی دیگر، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۱۱.
۲۲. تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۱۱/۵.
۲۳. گزارش ارزیابی، ص ۱۰.
۲۴. همان، صفحات ۱۰ تا ۲۰.
۲۵. گاز ایران و روسیه و امنیت انرژی آمریکا در آینده، ترجمه پیروز ایزدی، بولتن مرکز تحقیقات استراتژیک، آبان ۱۳۸۲، ص ۱۴.